

سلسله مراتب رسولی

مسیحیان اولیه برای مشخص نمودن کلیسای راستین و این که کدام آموزه، تعالیم راستین عیسا می باشد تردیدی نداشتند. آزمون آن ساده بود: بر این مدعا، تنها کافی بود، سلسله مراتب اسقفی را طرح کنند. سلسله مراتب رسولی عبارت است از سلسله مراتب اسقفانی که پیشینه ی آنان به رسولان می رسد. در سراسر جهان کلیه اسقفان کاتولیک، بخشی از دودمانی هستند که اعقاب آنان به رسولان باز می گردد، حالتی که در مراتب روحانیون پروتستان چنین چیزی امکان ندارد (بیشتر آنان حتی به داشتن اسقفی ادعائی ندارند).

نقش سلسله مراتب اسقفی در نگاه داری آموزه راستین دینی در انجیل به تصویر کشیده شده. برای اطمینان از این که تعالیم رسولان پس مرگ آنان به خوبی منتقل می گردد، پولس رسول خطاب به تیموتائوس فرمود: «آن چه را که در حضور شاهدان بسیار از من شنیدی به مردمان امینی بسپار که از عهده تعلیم دیگران نیز برآیند.» (۲ تیمو ۲: ۲). در این متن به سه نسل از سلسله مراتب رسولان اشاره دارد- که نسل خود او می باشد، تیموتائوس و نسلی که تیموتائوس به آنها تعلیم خواهد داد.

پدران کلیسا که به این زنجیره ی جانشینی متصف می باشند به طور منظم اشاره به سلسله مراتب اسقفی دارند تا با این آزمون بتوانند نشان دهند کدامیک از آموزه های تعالیم کاتولیک ها و یا بدعت گذاران صحیح می باشد. این کار ضرورت داشته است به لحاظ آن که بدعت گذاران به راحتی تفسیرهای شخصی خود را حتا آنانی که بسیار نامتعارف بودند به کتاب مقدس نسبت داده اند. آشکار بود که گاه مرجعی غیر از کتاب مقدس به کار گرفته می شد تا به صحت آموزه صحه بگذارد.

این گونه است که ج.ن.د. کلی که آئین پروتستان دارد و از مورخین کلیسای اولیه است می نویسد: «در عمل، کجا می توان شهادتی یا سنت رسولی را جستجو نمود؟... روشن ترین پاسخ آن بوده است که رسولان آن را به صورتی شفاهی به کلیسا سپرده بودند و از آنجا از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است... برخلاف ادعای سنت راز آمیز گنوسی ها، این امر کاملاً آشکار و برکسی پوشیده نمی ماند، و با این امر از سوی رسولان به جانشینان خود به ودیعه سپرده شده و این گونه سلسله مراتب جانشینان مشخص، و در کلیسا برای همه ی کسانی که به این موضوع اهمیت می داده اند به خوبی آشکار است (آموزه های مسیحیان اولیه ص ۳۷).

برای پدران اولیه کلیسا، هویت سنت شفاهی با مکاشفه ی اولیه به واسطه ی سلسله مراتب متصل اسقفی در قلمرو وسیع آنان نسل اندر نسل به رسولان بازگشته است... افزون بر آن و برای تأمین حراست بیشتر روح القدس گمارده شده چرا که این پیام تسلیم کلیسا شده و کلیسا خانه ی روح القدس می باشد. در واقع اسقفان کلیسا افرادی هستند که روح القدس را دریافت کردند و «کاریزم حقیقت خدشه ناپذیری به آنان اعطاء شده است» (همان صفحه).

از این رو، برپایه ی این تجربه، پدران «عمیقا» عقیده دارند که مباحثه با بدعت گذاران صرفاً در زمینه ی کتاب مقدس کار بیهوده ای است. آنان با مهارت و موفقیتی که در برگرداندن معنای واقعی متون دارند سبب شده اند تا هر نوع نتیجه گیری قطعی در این زمینه با آنان ناممکن گردد» (همان، ص ۴۱).

پاپ کلمنت اول

«در میان شهر و روستا رسولان بشارت می دادند و نخستین ایمان آورندگان خود را با کمک روح القدس می آزمودند تا بتوانند اسقفان یا کشیشانی را برای ایمان داران آینده تعیین نمایند. این عمل تازگی نداشت زیرا که مدت ها قبل اراین مطالبی در باره ی اسقفان و کشیشان نوشته شده بود... رسولان به واسطه ی خداوند عیسی مسیح می دانستند که برای منصب اسقفی نزاع هایی به وجود خواهد آمد. به همین علت نیز پس از آن که آگاهی کامل می یافتند، در کنار آنانی که تا به حال نام آنان ذکر شده بود نام افراد ذخیره را می افزودند که چون رحلت کنند شخصی تأیید شده دیگری برای احراز مقام او گمارده شود» (نامه به قرنطیان ۴۲:۵-۴، ۱:۴۴-۳، سال ۸۰ بعد از میلاد).

Hegesippus

«چون به روم آمدم، آینستوس را ملاقات نمودم که خادمش الیوتروس (Eleutherus) بود. و پس از آن که آینستوس وفات یافت، سوتر جانشین او گشت و پس از او الیوتروس به این مقام رسید. در هر شهری در سلسله مراتب جانیشینی وجود دارد که ادامه آن چیزی است که توسط شریعت، رسولان و خداوند اعلام شده است» (خاطرات، که در کتاب Eusebius ذکر شده است، تاریخ رسولان ۴:۲۲، سال ۱۸۰ بعد از میلاد).

ایرینیوس

«بنابراین، در هر کلیسای برای هر کسی که بخواهد حقیقت را بشناسد، این امکان وجود دارد که در باره ی سنت رسولان را که در سراسر دنیا برای ما شنلخته شده است تعمق و تامل کند. و ما در مقامی هستیم که می توانیم آن اسقفانی که توسط رسولان برگماشته شده اند و جانشینان آنان را تا زمان حال برشماریم، افرادی که تعمق یا گفتار آنان آن طور که بدعت گذاران با یاوه گوئی های خود به آنان نسبت می داده اند نبوده است» (علیه بدعت گذاران ۳:۳، سال ۱۸۹ بعد از میلاد).

«اما از آنجائی که در مجلدی چون این، برشردن کلیه ی سلسله مراتب جانشینان تمام کلیساها امکان ندارد، و احتمال آن که آنان را به اشتباه برشماریم، در هر صورت چه به لحاظ رضایت شخصی یا اطلاع ی کلام، یا آن که عدم شناسائی و یا ساده اندیشی ما قلمداد شود، آن عده ای دیگر را جائی گردهم آورده ایم که شایسته میباشد؛ در این جا با ذکر نام سلسله مراتب جانشینان اسقفان که جزء بزرگترین و کهن ترین کلیساها

می باشند که بر همه نیز آشکار است برمی شماریم، که در رم توسط دوتن از برجسته ترین رسولان یعنی پطرس و پولس بنا نهاده و سازمان دهی شده اند- آن کلیسائی که دارای سنت و ایمانی است که به ما رسیده و توسط رسولان به کلیه ی انسان ها بشارت داده شده است، با این وجود، این کلیسا، به علت برتری مبدأ آن، لازم است تا همه کلیساها بپذیرند که آن در تمام جهان صادق ترین می باشد. و در وجود او است که ایمان داران در اقصا نقاط جهان توانسته اند سنت رسولان را حفظ نمایند.» (همان متن، ۲:۳:۳).

«هم چنین پولیکارپ نه تنها توسط رسولان تعلیم دید و با بسیاری از آنها که مسیح را دیده بودند دیدار و گفتگو کرد، هم چنین توسط رسولان در آسیا، در کلیسای اسمیرنا مقام اسقفی را دریافت نموده، و من او را در عنفوان جوانی دیده ام، و او دیرهنگامی بر زمین باقی مانده و چون بسیار کهن سال گردیده با جلال و با نجابت تمام به شهادت رسیده و حیات را بدرود گفته است، او پیوسته به تفکر از آن چه که از رسولان آموخته بود پرداخت و به دیگران نیز تعلیم داد، و کلیسا آن را به عاریت گرفت و آن تنها حقیقت می باشد. درباره ی این تفکر تمام کلیساهای آسیا، هم چنین آن گروه از افرادی که تا به امروز جانشین پولیکارپ بوده اند، شهادت می دهند» (همان متن، ۴:۳:۳).

«بنابراین، از آن جائی که ما چنین شواهدی در دست داریم، نیازی نیست تا برای یافتن حقیقتی که در کلیسا به آسانی به دست می آید به دنبال دیگران برویم؛ زیرا رسولان چون افراد ثروتمندی (که پول خود را در بانک ها قرار داده اند)، همه ی آن چه را که حقیقت است در دستان کلیسا سپرده اند به طوری که هر کس، که بخواهد، می تواند آب زندگانی را از آن بدست آورد... در این مورد است که چه در توان دارد؟! تصور کنید جدلی حول مسئله ای مهم بین ما رخ داده باشد، آیا برای حل آن نباید به کهن ترین کلیسا توسل جوئیم که در آن رسولان در گفتگویی دائم بوده اند و از آنها بیاموزیم که پاسخ روشن و قطعی این مساله چیست آموختند که چه چیز در رابطه با مسئله فوق یقین است و صحت دارد؟» (همان متن، ۱:۴:۳).

«اطاعت از کشیشانی که در کلیسا هستند واجب است- آنها همان گونه که من نشان دادم دارای سلسله مراتب جانشینی توسط رسولان می باشند؛ آنهایی که همراه جانشینی اسقفان مطابق رضایت پدر، کاریزمای خدشه ناپذیر حقیقت را دریافت نموده اند. اما (همچنین واجب است) و باید پیوسته نسبت به آن عده ای که از سلسله مراتب جانشینان کلیسا جدا شده اند و به دور هم گردآمده در هر مکان خود را چون بدعت گذار یا با افکاری انحرافی یا چون شقاقی پر ادعا و از خود راضی و یا چون افرادی ریاکار که برای لاف زنی و سودجویی آمده اند، با دیده تردید نگریست» (همان متن، ۲:۲۶:۴).

«شناخت راستین، آموزه ی رسولان می باشد، هم چنین سازماندهی کهن کلیسا در سراسر جهان و تجلی تن مسیح که مطابق سلسله مراتب اسقفان می باشد و در این سلسله مراتب، اسقفان کلیسائی بجای گذاشته اند که در همه ی نقاط موجود است» (همان متن، ۲:۳۳:۴).

ترتولیان

«رسولان در هر شهری کلیسائی بنا نمودند، که از آن سایر کلیساهای، یکی پس از دیگری، سنت ایمان را منشعب ساختند و ذریه‌ی تعالیم دینی را هر روز می‌گسترانند تا به نوبه‌ی خود مجدداً بنای کلیسائی گردند. براستی، و با احتساب این امر است که آنان خود را می‌توانند رسولی بخوانند چرا که از اعقاب کلیساهای رسولی می‌باشند. هرگونه موضوعی ضرورتاً می‌بایستی به مبدأ خود بازگردد تا بتواند طبقه بندی شود. از این رو کلیساهای، با وجود آنکه بسیار متعدد و بسیار عظیم می‌باشند اما در درون کلیسای اولیه جای گرفته‌اند، که توسط رسولان بنا شده است، و از آن همگی نشأت گرفته‌اند. در این احوال، همگی اولیه و رسولی باشند، در حقیقتی که همه همگی در وحده‌ی یک پارچه باقی مانده‌اند» (بر علیه بدعت گذران ۲، سال ۲۰۰ بعد از میلاد).

«این آن چیزی بود که عیسیا به آن (رسولان) را بشارت داد، می‌تواند همانگونه که من بدان توصیه می‌نمایم، بطور صحیحی اثبات گردد و تنها طریق آن به واسطه‌ی کلیساهاست که خود رسولان بنا نموده‌اند و کتاب مقدس را خود مستقیماً بشارت داده‌اند... پس چون این مطالب چنین باشند، به همان درجه روشن است که همه‌ی تعالیمی که با کلیساهای رسولی موافقت دارند- آنانی که چشمه اولیه و قالب ایمانی آنان می‌بایستی چون راستین تلقی شود، و بدون تردید باید حاوی آن چیزی باشد که کلیساهای رسولان، رسولان از عیسیا، و عیسی از خدا دریافت کرده‌اند. آن‌گاه مطلبی که باقی می‌ماند اثبات این مطلب است که آیا آموزه‌ی ایمانی ما که از آن قوانین را استخراج کرده‌ایم، منشأ خود را از سنت رسولان دریافت کرده است یا خیر و آیا سایر آموزه‌ها *ipso Facto* دارای منشأ دروغینی می‌باشند یا نه؟» (همان متن، ۲۱).

«اما چنانچه هرگونه بدعت‌گذاری وجود داشته باشد که به قدر کافی این جسارت را داشته باشند که منشأ خود را به اواسط دوران رسولی نسبت می‌دهد و به نظر آید که توسط رسولان- به آنان منتقل شده‌اند، به لحاظ آنکه در دوران رسولان زیسته‌اند می‌توانیم بگوئیم: بگذارید تا طبقه بندی کلیسای خود را بازنگشایند و شخص نماینده که با جنبشی به حق آنان طوری بوده است که نخستین اسقف آنان می‌توانستند یکی از رسولان یا جانشین او را چون اسلاف و مأموریت یافته از سوی او تلقی کند- شخصی که در راه ادامه صریح طریقه رسولان می‌باشد. با این اوصاف است که کلیسای رسولی سلسله مراتب خود را منتقل می‌نماید: چون کلیسای اسمرینا که نشان داده است که پولیکارپ توسط یوحنا گماشته شده به همینطور که کلیسای روم توسط کلمنت پایه ریزی شده که او نیز به همین صورت توسط پطروس منصوب شده است» (همان متن، ۳۲).

«آیا باید آنان نیز متقابلاً عکس عملی نشان بدهند (و فهرستی از سلسله مراتب اسقفان را برای خود تهیه نمایند)، ولی حتا قدمی در این راه برنداشته‌اند. و تعالیم آنان در مقایسه با تعالیم رسولان (همان طور که در دیگر کلیساهای بانی است)، خود دارای تضادها و اختلافاتی است که علت آن نگارنده آن است که شخصی غیر

از رسول و یا فردی گمارده شده توسط او بوده است، چرا که رسولان هرگز به مطلبی نیاندیشیده اند که خود به خود دارای تضاد بوده باشد.» (همان متن).

«بنابراین، تمام بدعت گذاران چون در برابر این تقابیل کلیسای رسولی قرار می گیرند، شهادتی است براین که چگونه مدعی اند تا اعقاب خود را به رسولان نسبت دهند. اما در واقع چنین چیزی امکان ندارد و آنان نمی توانند برآن چه که نیستند گواه آورند. حتی پذیرفته نیست تا رابطه ای صلح جویانه و مشارکت در ایمان با چنین کلیساهائی داشته باشند که رابطه ی آنان با رسولان آشکار می باشد، در هر صورت به هیچ وجه رسولی نمی باشند چرا که در رابطه با رازهای ایمانی (مذهبی) دیدگاه هائی کاملاً متفاوت دارند.» (همان متن)

سیپیریان اهل کارتاژ

«کلیسا واحد است، چون واحد است نمی تواند هم با خود باشد و هم با بیرون از خود. زیرا اگر کلیسا با نواتیان بدعت گذار باشند، دیگر نمی تواند باپاپ کرنلیوس باشد. و چون با کرنلیوس می بوده است در برابر روحانیت عیسای مسیح آن را همراه شهدا تجلیل کرده است، نواتیان بدعت گذار در کلیسا نبوده اند و از این رو نمی توانسته است توسط اسقف شناخته شده باشد، از این رو جانشین کسی نیز نبوده اند، و به علت انزجاری که از سنت انجیل و رسولان داشته اند، برای خود قدالم کرده اند. برای کسی که از سوی کلیسا مأموریت نیافته نمی تواند به هیچ وجه به کلیسا تعلق داشته باشد.» (نامه ها ۶۹ «۳:۷۵» سال ۲۵۳ بعد از میلاد).

ژروم

«از من دور باد که خصمانه در باره ی روحانیونی سخن بگویم که در جانشینی رسولان و با کلام مقدسشان تن عیسای مسیح را متجلی می کنند و از طریق زحمات ایشان است که ما اکنون مسیحی هستیم» (نامه ها ۱۴: ۸، سال ۳۹۶ قبل از میلاد).

اگوستین

«مسائل بسیار دیگری وجود دارد که می تواند مرا در بطن کلیسای کاتولیک نگه دارد. یگانگی ملت ها و امت ها مرا در این جا نگاه داشته است. اقتدار آن، معجزات را بوجود آورده است که همراه امید تغذیه شده اند و با محبت افزونی یافته و با قدمت خود جای گرفته اند و مرا در این جا نگه می دارد. سلسله مراتب روحانیون از نقطه نظر پطرس رسول که خداوند عیسای مسیح، پس از رستاخیزش این مأموریت را داد تا گوسفند او را تغذیه نماید (یو ۲۱: ۱۷-۱۵)، و اسقفان کنونی نیز مرا در این جا نگاه می دارد، و آخر این که عنوان کاتولیک که بی علت نیست که به جا مانده زیرا که در برابر کلیه بدعت گذار قرار می گیرد، در حالی که بسیاری از بدعت گذاران می خواهند خود را کاتولیک بنامند، اما چون بیگانه ای سؤال کند که کلیسای کاتولیک در کجا اجتماع می کند هیچ یک از بدعت گذاران خانه یا کلیسای خود را نشان نخواهد داد.» علیه نامه های مانی که «پایه» نامیده می شوند. «۴:۵، سال ۳۹۷ بعد از میلاد).

|

سلسله مراتب رسولي / ۷

— |

|

سلسله مراتب رسولي / ۸

— |

|

سلسله مراتب رسولي / ۹

—

— |

|

سلسله مراتب رسولي / ۱۰

— |

|

سلسله مراتب رسولي / ۱۱

— |

|

سلسله مراتب رسولي / ۱۲

— |